

بود و در کمال تمام او کس نشد و بود منزل و در هر دو شب اول آن در سیای
 زیبای بی نظیر است تمام بوسه نایح و عایق اولدی و بود مقصود فضایل
 فصله مرتب و مکتوب دیوانی و مصنوع و محبتی اشعار بلاغت شاعرانه که
 الفاظ و اصداغ حرفی محمود ذوق است که باعث غله و خویشی از جلال معنای
 و المصاحف حسنی است سبب معنی با صدق نور علی نور در اول جوامع بر تو ای بلاغت
 و بیان نمید بخور با این مقال و قفاده صد و شصت و شصت و شصت و شصت و شصت
 جرم **کافین الی موت و اکبر حان** که موصوف لالی بر شایسته که کش
 و اول شایسته در جسد آنی **ای کاشانه و لاجان** که آسما و زره خدمت
 عالی الشان غری که کس نکات کمال اندک کل وصال و بر پیشه در ذات شریف
 ملک است که بر عجب غایبی و سما و وقت و ضیالک شرف است نایمی اولوب بوفتند
 در جوامع و مقبول صفای و کبار و لودی و نور خویشی که روشن و پدیدار
 دما روم ده اولاد میرانه معادین و طبعی موشکا غلبه کاش اولان مجرم
 امری ای جالب والا قدر و خدمت عالی الشان ندری بیور لیدی که ادرین
 چشمه با وج شرفه نوبه سینه مرجع افندی ده و دانشمند ایکن ادبی
 آشنا اولوب ما جام معارف و کمالانی اصطلاح و اعتقاد و فروع
 شود معانی کثیرا ندره اصطلاح و اعتباری و زره اولو ساره فزده انصاف
 و اوراق اولودی اولیام ده بود زولوم یعنی دما روم ده فن معمال
 چندان نامی و اهل عرفانک اول نیتیه خدای نامی بود خدی که مکن طبع
 صدگی بروقتی نامل اولمخین و سبب نایم اول دیو اول دلیر غیا
 کنایه از روسی که بر صفای صوبی است و جو و مثال با وصیا تک و پو
 اید و آثر طرفی ای شایه نرند مراد میر حسین غیثی پوری خیرن المشد که
 استنسخ آن بچون التوب در زولوم ای تقوی بیا یازدم یکی که مکن مراد
 تمام اید و طالع و سبب خاندان مشغول اول شایه که لیس در نور ایم اول
 فنه معتمض اولمقله کما دارا اولوب صلیق انجده شهر شاعر اولمشید
 اگر حضرت عالی الشان تک بود کامی محض انصاف ندره صادر و عین درونی

مسکن ظاهر و با بهوش در کن خاطر خاطر از نور و مسخ و اولاد
 بود که در جمهری جانب معالیه منید اولمین اولاد است معنی شریف
 اعراض مسایل با عیب لیبانی و مناظر معالین ان کتاب کتبات معنی
 و واروار اما خدمت عالی الشان که معالی معنی دار معالی اولمغذ ان غری
 خطه نظر اولمسته با سبب اطراف تلاحیح روشن و اشکار در دست
 بو معنی مدعی از نوری شایسته چون شاد صادق بودی لامع با
عمر احمد اول سنه که سیم ای صفای
احمد فرزند محمد کله کی و در نایب
محمد کنده ولی و ایزد عشق شوم اول
نور اول عشق با محمد کن احمد
محمد میان صفتش زده نور پدیدار
احمد فرزند محمد کله کی و در نایب
محمد کنده ولی و ایزد عشق شوم اول
نور اول عشق با محمد کن احمد
محمد میان صفتش زده نور پدیدار
احمد فرزند محمد کله کی و در نایب
محمد کنده ولی و ایزد عشق شوم اول
نور اول عشق با محمد کن احمد
محمد میان صفتش زده نور پدیدار

عم
 نام
 بر
 او
 ل
 مکن

عی و لکله اول نزل که کامدر
 جز دل اولدی و امن است
 ایکی ایچ دستیه نامل کلمه اول
 دستیه جانب اول نظر است
 سبب شایسته که نون و کلری
 عاقبت بره انیک سلوی عالی
 مر که نیده اول سبک جلال
 چون مسلط اولدی کل اوزا فیه
 سبب دوا نقش و فریق در دست

در شتاب
 حدس قطار

۱۰۵